

مکاتبات تقی زاده و استاج درباره نشر اسکناس

متن نامه شماره ۵/۱ مورخ ۱۷ فروردین ۱۳۲۸ آقای ابتهاج بعنوان آقای تقی زاده

۲

جناب آقای سید حسن تقی زاده

مرقومه عالی مورخه ۱۷ فروردین چند روز قبل شرف وصول بخشید. دو سبب موجب شد که در اشعار وصول آن تاخیر واقع گردید نخست کسالت عارضه مودی بود که از دو سه هفته باین طرف باعث زحمت اینجانب شده و از یک هفته باین طرف خیلی ناراحتم ساخته است سبب دوم آن است که بسیار تردید داشتم که آیا بآن مراسم مجادله آمیز اصلاً "جوابی بدهم یا نه و برای اینجانب ناگوار بود که داخل احتجاج وجدلی بشوم که از منظور اصلی و غایب طریقت من که خیر مردم عامه است دور باشد لکن عاقبت فکر اینکه شاید اظهارات مندرجه در مرقومه عالی موجب اشتباه و غفلت بعضی اشخاص که بالفاظ بیشتر از معنی و بقوت بیان بیشتر از حس و وجدان اهمیت میدهند بشود ناچار عرض این چند سطر جواب را بطور اختصار لازم شمردم خصوصاً "که طریقه آداب که اینجانب خود را در هر حال مقید بر رعایت آن میدانم اشعار وصول مرقومه را مقتضی بود.

خلاصه مراسم عالی معطوف بچند نکته است اول جواب نقضی است و سعی در توجیه صحت یک اقدام تالی با وقوع نظیر آن در گذشته و شرح قانون سنه ۱۳۱۰ و قیاس آن باحالت حالیه و قصد نشر اسکناس در این زمان. علاوه بر اینکه جواب نقضی اصلاً "مطلبی راحل نمیکند و دلیلی برای هیچ چیز نمیشود و حتی اگر در زمان سابق عملی ناصحیح وقوع آمده باشد وقوع آن عمل بهیچوجه من الوجوه مجوز عملی نظیر آن در از من بعد نمیشود. اصلاً" قیاس بدرجهای قیاس مع الفارق است که باندنی تاملی بر هر شخص بی غرض و دارای ذوق سالم آن فرق عظیم آشکار میشود یک دقیقه تامل در فرق عظیم و فاحش بل فاحش اوضاع مالی و اقتصادی مملکت بین ۱۸ سال قبل و حالا هر گونه شکی را در سستی بنیان امروزه زائل میکند. در آنوقت بودجه مملکت (که اساس اصلی صحت و سلامت مزاج مملکت است) موازنه داشت و حتی وقتی که اینجانب از تصدی وزارت مالیه مستعفی شدم وجه نقدی اضافی معادل قریب صدی سی کل بودجه سالیان مملکتی در خزانه ذخیره گذاشتم. بودجه مملکت معتدل بود (قریب چهل میلیون تومان) و بیشتر آن صرف کار میشد نه برای "حقوق" باطله تجارت مملکت یعنی صادرا و واردات هم از موازنه زیاد خارج نبود و پول مملکت مثل امروز سیل آسا صرف واردات تجملی و کم لزوم نمیشد میزان اسکناس بیش از ۳۴ میلیون تومان

نمود یعنی کمتر از صدی پنج میزان فعلی . علاوه بر این سه نکته که اساس اعتبار دولت است امور مالی و اقتصادی تابع میل متنفذین و چپاول کنندگان سیاسی نبود و قدرتی مانع از گرمی بازار بازیگران اقتصادی و اداری بود و قطعاً ممکن نبود که دولت چهار صد میلیون تومان بایشتریول مردم (یعنی ودایع اهل مملکت را) از بانک ملی برای معاملات و کسب و تجارت دولتی و خرید قماش و قند و چائی و آهن و غیره و غیره فرض بگیرد تا اجناس را به قیمت ارزان وارد کرده و بملت خود بقیمتهای گران که گاهی اضعاف قیمت اصلی میشد بفروشد و عاقبت صل قرض را پس ندهد و قسمت اعظم پول "در هیئت تصفیه" و "ادارات تصفیه" ولایات و پایتخت اصلاً "از میان برود و آن هیئت صریحاً "بدولت بنویسد که امکان تصفیه و وصول وجه نیست . آنوقت وقتی بود که رئیس بانک ملی بملت آنکه بدون تناسب با سرمایه هشتصد هزار تومانی خود اعتبارات نامحکم باز کرده و از سرمایه تلف نموده بود محبوس شد ولی در این زمان از بانکی که سی میلیون تومان سرمایه دارد دولت بیش از چهار صد میلیون تومان قرض گرفته و هنوز دنبال این هجوم به بانک قطع نشده و هراقدام جدید را میخواهند بایول بانک باودایع مردم انجام بدهند چنانکه برای لوله کشی تهران و چندین کار نظیر آن بدون تأمل سروقت بانک میروند .

همدک در آنوقت یعنی سال ۱۳۱۰ چنانکه در خود قانون هم منظور شده معادل شصت درصد اسکناسهای منتشره مسکوک نقره در جریان بود یعنی مردم مملکت معادل همان مقدار اسکناسی هم که در ذخیره زیر قفل نبود نقره در دست داشتند و نمیدانم چرا این مقدار نقره منتشره در دست و پای مردم که کارگر غروبی مزد خود را میتواند بجای کاغذ شهروا به نقره فلزی بگیرد نباید در حقیقت (اگر نه اسما") ذخیره اسکناس و پشتیبان معتبر بیچک های منتشره شمرده شود . و توجیه و استدلال لفظی و فورمولی حقیقت را که مردم کوچه و بازار آنرا وجدانا بهتر میفهمند و احساس میکنند از میان نمیبرد .

در این وقت یعنی سال ۱۳۱۰ مقدار کل اسکناس در مملکت محدود و نسبت بحالا خیلی کم و معدک کافی بود و لیره انگلیسی هم در حدود شش تومان از همان اسکناس ها بود (که بعدها بدبختانه باز باصرار شدید و بانک و رای دولت باوجود مقاومت ممتد اینجانب قدری بالا تر برده شد) بنظر اینجانب افزایش اسکناس بعدها معلول تزايد احتیاجات مملکت نبوده است و مزاج مالی مملکت در ۱۸ سال قبل ده مرتبه سالم تر از این بوده هست بلکه باعث آن احتیاجات قشون خارجی در این مملکت شده که دولت را مجبور بنشر اسکناس کردند و برای ذخیره مقابل آن هم طلا و پول خارجی دادند ولی پس از جنگ این اسکناسهای محتاج الیه خارجیان جمع آوری نشد و در دست مردم و در جریان ماند و باعث تورم پول در این مملکت گردید و همان اسکناسها در دست محتکرین جمع و باعث صرف مجنونانه و اسراف آمیز گردید . زمینهای

پنج قرانی بیابان اطراف تهران را به ده بیست تا صد تومان خریدند و فروختند و قیمت زمین و خانه و کرایه و بالن نتیجه همه چیز فوق العاده بالا رفت و قوه خرید آن طبقه بی تناسب فزونی گرفت و مغازه‌ها پراز واردات تجملی بی معنی شد .

جهت دیگر خیلی مهمی هم مربوط بفرق اساسی سال ۱۳۱۵ و سال جاری وجود دارد که چون باید واضح و عیان باشد از شرح آن خودداری میکنم و دلیل عمده تقدیم لایحه با دوفوریت در آن زمان نیز از آن نکات است که با اندکی تأمل واضح میشود .

مطلب دوم جنابعالی باز استدلال با ترتیب ذخیره اسکناس در ممالک خارجه و قیاس بآن نقاط است که آنهم از نوع قیاس مع الفارق است و در واقع قوی‌ترین دلیل برخلاف مقصود است چه اگر ممالک پر ثروت و با اعتبار و بسیار بسیار متمول برای اسکناس خود فلان مقدار ذخیره طلا را لازم دانسته باشند این فقره با هر منطقی مستقیماً "دلیل قاطع براین باید باشد که ما که فقیرتر و بی موازنه‌تر و بی اعتبارتر هستیم باید حتماً" لااقل سه برابر آن مملکت ذخیره طلای فلزی داشته باشیم تا هم مردم ایران به پول کاغذی ما اعتماد پیدا کنند و هم پول ما اعتبار بین المللی کافی کسب کند . قیاس ایران با امریکا نه بقدری دور از تناسب است که بتوان بیان کرد و فی‌المثل بآن ماند که اداره تبلیغات ایران در مقابل انتقاد از مخارج بیهوده و اتلاف یک میلیون و سیصد هزار تومان برای بیانات خسته کننده و بی فایده خود جواب بدهد که امریکا هم میلیونها دلار صرف تبلیغات میکند و غافل از نکته "گرچه باشد در نوشتن شیر شیر" باشد .

لزوم وجود صد درصد ذخیره اسکناس در سنه ۱۳۲۱ را تصدیق فرموده و آنرا برای کاستن از نگرانی مردم لازم و مفید می‌شمارید ولی معلوم نیست که چرا حالا باید نگرانی مردم با وجود موجباتی که خرابی اداری و مالی و اقتصادی و اسرافات و اتلافات آنرا در برابر مزید کرده کمتر از سابق بشود .

اینجانب هیچوقت راضی نبودم که ذخیره اسکناس موجود یکشاهی هم کاسته شود لکن در مقابل اصرار و میل شدید جنابعالی باین کار با شصت و بهتر از آن هفتاد در صد موافقت کردم ولی منظور من طلای فلزی موجود بود نه ارز خارجی یعنی کاغذ ممالک دیگر که امروز شاید قابل تبدیل بطلا باشد و در موقع حوادث بین المللی اعتبار طلا نخواهد داشت چنانکه در جنگهای گذشته برای خرید از ممالک بیطرف دول محارب معظم مجبور میشدند عین طلا حمل کنند و با طلا بپردازند اگر بنا باشد قسمتی از ذخیره شصت در صد هم ارز خارجی باشد و قسمت دیگرش پولهای ایران در مسکو و قسمت دیگر ودیعه در صندوق بین المللی و قسمت دیگر جواهرات (که بهیچ اساسی نباید پشتیبان اسکناس شمرده شود) نمیدانم دیگر برای ذخیره با اعتبار حقیقی یعنی طلای فلزی چند در صد مهماند و در آن صورت مقابل پول

کاغذی دست مرد مزدور پیکدانه مروارید و یک مثقال طلا در مسکو و چند شیلینگ در لندن خواهد ماند که کم کردن قیمت لیره و شیلینگ هم هر روز بدست صاحبان خود آنها است. سوم آنکه مرقوم داشته‌اید که لایحه تقدیمی به مجلس "از طرف اشخاص علاقمند بوطنشان تهیه شده است و پس از مطالعات زیاد". در علاقمندی اشخاصی که شاید بصرافت طبع باین کار رأی داده‌اند و مخصوصاً "در علاقمندی جنابعالی بمملکت برای اینجانب شبهه‌ای نیست و اگر وقتی لفظ خیانت را در اقدام باین نوع کارها در ضمن نطق استعمال کردم بلاشک مقصود خیانت عمدی نبوده بلکه خیانت اشتباهی است ولی نسبت به مطالعه کافی آقایان اطمینان کامل ندارم چه از مقایسات دائمی با آمریکا و انگلیس چنین استنباط میکنم که بیشتر از توجه بمردم مملکت خود و حال آنها بممالکی نظیر داشته‌اند که بطور غیر قابل قیاس با ثروت تر از ما هستند.

شرحی مرقوم داشته‌اید که "این عمل یعنی نشر اسکناس زیاد و پائین آوردن میزان ذخیره تنزل ارزش ریال نیست" حقیقت آنست که تمیدانم تنزل ارزش بچه چیز باید اطلاق شود و اگر مثلاً "در مقابل یک تن طلا سه میلیون و نیم تومان اسکناس داشتید و فردا عزم کردید در مقابل همان مقدار طلا هفت میلیون تومان اسکناس نشر کنید آیا قیمت اسکناس در حقیقت واقع کم نمیشود؟

چهارم راجع باداره امور بانک است. در باب اینکه سیاست معاملاتی بانک بر اساس صحیح نیست و پول خود را (یاد ر واقع پول مردم را) به مردم و محل‌های ناسالم برخلاف منافع مملکت و مصالح طبقه زحمت کش ملت پاشیده ولو آنکه با شتاب و نه از روی سوءنیت داخل بحث نمیشوم و میل ندارم بر حسب تقاضای جنابعالی آنها را نشان بدهم اگر چه شکی در مطلب ندارم و خود خوب میدانید و میشناسید. اگر غیر از این بود نه اسکناس بانک کم میشد که برای نشر اسکناس تازه بعنوان مخارج برنامه اینهمه اصرار لازم دانسته شود و نه اعتبارات نامحدود صندوق بانک را خالی میکرد که شاید بیش از صد میلیون تومان برای گردش نزد وی نمانده باشد اگر بانک در مقابل عایدی سالیانه قریب بیست میلیون تومان ربح از قروض بدولت و قریب نصف آن ربع از قروض با اشخاص بودجه سالیانه ۲۴ میلیون تومانی اداری و قریب سی میلیون تومان مخارج ساختمانها و مبالغی عمده خرج‌های دیگر نداشت و قسمت عمده از عایدات را بجای خرج ذخیره میکرد (یعنی بیش از آنچه حالا اندوخته دارد داشت) و اگر عایدات فروش نقره و طلا که بنا بر مسموع قریب بصد میلیون تومان بوده بجای بعضی مخارج بی لزوم باز ذخیره میشد یا بجای فرض دادن بدولت بعنوان فواید بانک بدولت یعنی صاحب سهام داده میشد و بار قرض دولت ب بانک سنگین نمیشد امروز برای نشر اسکناس چنین اضطرابی نشان داده نمیشد.

اما اینکه در سر هر جمله‌ای سخن از اصلاحات عمرانی و اقتصادی و تهیه وسایل رفاه مردم و برنامه هفت ساله بمیان آورده میشود امیدوارم موجب ملال خاطر شریف نباشد اگر عرض کنم که اینجانب تصور نمیکنم این امور دخالتی در میل بنشر اسکناس داشته باشد چه این کارها امور سیاسی و مملکتی است و مربوط بدولت و مجلس است و باید اگر چنین ارتباطی بین دو امر بوده باشد اولیای دولت اصراری در این باب نشان بدهند در صورتیکه این مطلب سری است عیان و همه میدانند که تنها کسی که برای این کار اصرار مخصوص دارد همان رئیس بانک یعنی مدیر اداره صرافی است که طبعاً "لزومی ندارد با برنامه یالوله کشی یا اقدامات عمرانی مستقیماً کاری داشته باشد و چنین علاقه بلکه دخالتی افراطی نشان بدهد بلکه مثل هرابرانی خیرخواه و وطن دوست علاقه عمومی باین نوع امور که غیر از کار اختصاصی خودش است میتواند داشته باشد. نظر اینجانب این است که صلاح رئیس بانک ملی نیست که در امور عمومی مملکتی و وظائف دولت باین درجه مداخله نماید. اصلاً هم اجرای برنامه بلافاصله محتاج قرض از بانک ملی نیست و وجوهی که برای آن کار تخصیص شده افلاً" در سال اول و دوم و بلکه سوم هم کافی است و برخلاف آنچه در مقدمه لایحه اظهار شده بانک ملی هیچ نوع تعهدی در این باب ندارد و در هیچ موردی هم تاحال نداشته است زیرا که قوانین مصوبه برای استقراض دولت باین عنوان بوده و هست که دولت مجاز است فلان مبلغ از بانک ملی قرض کند نه آنکه بانک ملی مکلف است که بدولت قرض بدهد پس بانک ملی اگر پول داشت و میخواست قرض میداد و افلاً.

از مطالب و تلویحات و تعریضات خارج از متن مندرج در مرقومه شریفه که بآنها جواب لازم نمیدانستم و حالا هم نمیدانم و فقط برای دفع اضلال اشاره میکنم یکی هم نسبتی است که باینجانب داده اید که مکرر و در کمیسیونهای متعدد اینجانب اظهار داشته ام که باید یک یا چند نفر خارجی آورده و بآنها اختیارات تام و تمام داد تا مملکت ما را اداره نمایند چون نمیتوانم تصور کنم که چنین نسبتی باینجانب از روی عمد و قصد مخصوص تهمت خارجه پرستی و در مقابل اثبات احسانات وطن پرستی و غرور ملی خودتان است یقین دارم که اشتباهی در مخیله عالی پیدا شده زیرا که من نه کمیسیونهای متعدد باجناب عالی داشته ام و نه چنین بحث در امور مختلفه بمیان آمده بلکه فقط یکبار در جلسه کوچکی در حضور جناب آقای حکیم الملک و آقای نجم الملک و آقای دکتر سجادی و آقای مشرف نفیسی و خودتان در طرح لایحه برنامه بحثی شده که اینجانب ظاهراً " فقط در یک جلسه از آن جلسات بودم و نسبت بمدير عامل برنامه (فقط) اظهار عقیده کردم که بهتر است شخص لایقی از خارجه مخصوصاً "از سوئد یا سوئیس استخدام شود آقایان رئیس الوزراء و وزیر مالیه که مسئول اصلی این امر بودند عقیده مراتصديق نمودند و آقای نفیسی مخالف بود و جناب عالی هم با او

موافقت میفرمودید لکن پس از قدری بحث خودتان هم بانظر من همراه شدید و قبول کردید . اگر واقعا " دارای چنین عقیده‌ای بودم که باید خارجیان امور مملکت ما را اداره کنند آن " عده‌ای " هم که میفرمائید در ایران بمن معتقدند تا حال سلب عقیده کرده بودند و اظهارات من نمیتوانست بقول شما آنها را گمراه کند .

در ختم کلام لب مطلب وجوهر بحث و جواب را در چند کلمه تلخیص میکنم : من در مجلس قسم خوردم و باز هم با جزمی راسختر قسم میخورم که نشر اسکناس جدید با همان ذخیره موجود و کم رنگ کردن پول ایران مضر و خطرناک و بلکه کمر شکن است و در مقابل خدا و ملت این اخطار را تکرار میکنم : پس از نشر اسکناس جدید : ۱- قیمت اجناس و مخصوصا " ضروریات زندگی فقرا بالا خواهد رفت و نتیجه معکوس و نقیض اجرای برنامه هفت ساله را خواهد داشت و اثر آنرا خنثی خواهد نمود ۲- قیمت زمین و خانه و کرایه خانه‌ها و مزد کارگران بالا خواهد رفت ۳- حقوق مستخدمین دولت بالا خواهد رفت و اگر نرود به زحمت ، بیشتری خواهند افتاد و ناچار نادرستی از اندازه فعلی بی قیاس هم بیشتر خواهد شد ۴- نرخ اسعار خارجی بتدریج بالا خواهد رفت و اگر نرخی رسمی نگاهداشته شود در بازار آزاد ترقی عظیم خواهد نمود ۵- موازنه مالی و اقتصادی مملکت بیشتر مختل شده و بانک و دولت بخطر مستقیم رو بورشکستگی خواهد رفت .

بنظر اینجانب اشکالات فعلی بانک بی علاج نیست و تدابیری موافق مصلحت میتوان اندیشید که اگر مضیقه‌ای هست رفع شود و من در شور و بحث در این طریق همیشه حاضرم و چون در اساسا مرتبیت و مقصود یکی است با توجه به خیر و صلاح عامه و تامل و مشاوره از طریق انصاف حل اشکالات سهل تر از طریق مجادله و احتجاج است و چون اختلاف نظر خللی در اعتقاد اینجانب به نیکی نیت جنابعالی و علاقه مندیتان بخیر مملکت نیاورده و همیشه از خداوند میخواهم که با تفضل خود همیشه ماها را براه راست دلالت نموده و به جنابعالی توفیق خدمت کرامت فرماید لذا بهر کمکی که از دست من در این باب برآید همواره حاضرم و نمی‌خواهم ناگفته بگذارم که بنظر اینجانب سعی در جمع آوری اسکناس از دست مردم بتدریج هر اندازه ممکن باشد و شاید تبدیل اسکناسهای گران بها به اسکناس خورده و کم بها یکی از تدابیر مفیدی باشد که وقتیکه با چندین تدبیر دیگر که اساس آنها اعتدال و قناعت باشد توأم گردد تا حدی بگشایش کار مدد نماید .

چون وسایل تحریر و توزیع و مآخذ مراجعه برای جنابعالی مهیا تر است و من از دسترس داشتن باوراق لازمه و مآخذ و همچنین وسایل کار از منشی و ماشین نویس و غیره قاصرم و نیز بعلاوه میل به تمدید احتجاج بی نتیجه و مزید ملال خاطر شریف ندارم اگر باز دنباله تحریرات ورود و بحث را گرفته باز جواب بجواب مرقوم دارید اینجانب اقدام بجواب نخواهم